

میزان سازگاری محلات شهری شکل گرفته در دوره‌های مختلف رشد شهر با اصول نوشهرگرایی (مورد نمونه محلات مظفری، جوی‌مویدی، امام جمعه و هوشنگ مرادی در شهر کرمان)

نجما اسمعیل پور^۱

میترا قربی^۲

چکیده

رشد سریع شهر کرمان در چند دهه اخیر باعث شکل‌گیری محلات جدید و حاشیه‌ای با تفکرات مدرنیستی شده و محلات تاریخی بدلیل متعدد به بافت‌هایی ناکارآمد تبدیل شده‌اند که کیفیت آنها درخور زندگی شهروندان نیست. نوشهرگرایان با اتکا بر دروس تاریخی از زیباترین و موفق‌ترین شهرها، رویکردهای نوشهری را با جوامع متراکم، مختلط، پیاده‌مدار و نسبتاً مستقل تأیید کردند. هدف پژوهش تعیین و مقایسه میزان سازگاری اصول نوشهرگرایی در محلات بافت قدیمی، میانی و جدید درجهت افزایش کیفیت زندگی آنهاست. پژوهش حاضر، کاربردی و از نظر روش، توصیفی، مقایسه‌ای-تطبیقی و پیمایشی است. روش گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای و میدانی می‌باشد. برای تعیین میزان انطباق از توابع تحلیلی GIS و روش‌های آماری استفاده شد. شاخص‌های مورد مطالعه به سه دسته کالبدی، حمل‌ونقل و تاریخی- هویتی تقسیم و در ۷ اصل و با طیف چهارسطحی مورد ارزیابی قرار گرفت. بنا بر نتایج: اولاً؛ شاخص‌ها تفاوت معناداری را در بهره‌گیری

۱- استادیار گروه شهرسازی دانشکده هنر و معماری دانشگاه یزد، (نویسنده مسئول)

E-mail: Najmaesmailpoor@yazd.ac.ir

۲- کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری دانشگاه یزد

از اصول نوشهرگرایی در محلات مختلفی که در دوره‌های گوناگون توسعه شهر کرمان شکل گرفته بودند، نشان می‌دهند؛ ثانیاً؛ محله تاریخی مظفری (با محوریت بازار) و محله جدید هوشنگ مرادی به ترتیب با میانگین هندسی ۳۰۳ و ۱۸۱ بیشترین و کمترین انطباق و سازگاری را با اصول نوشهرگرایی دارند. بیشترین و کمترین سازگاری در محلات، به ترتیب مربوط به اصل اتصال و پیوستگی و اصل تنوع مسکن است. محلات جدید از نظر اصول کالبدی؛ و محلات قدیمی از نظر اصول تاریخی-هویتی و ترافیکی و حمل‌ونقل سازگاری بیشتری با نوشهرگرایی دارند: «میانگین میزان سازگاری محله جدید هوشنگ‌مرادی در اصل کالبدی ۳۵۶ و محله مظفری در اصول تاریخی و هویتی و ترافیکی و حمل‌ونقل به ترتیب ۳۶۷ و ۴ است». نظر به سازگاری نسبی محلات با اصول نوشهرگرایی می‌توان از رهنمودهای آن در ارتقای کیفیت زندگی محلات استفاده کرد.

واژگان کلیدی: اصول نوشهرگرایی، رشد شهر، سازگاری، شهرکرمان، محلات مظفری، جوی‌مویدی، امام‌جمعه و هوشنگ‌مرادی

مقدمه

بیان مسئله: از دهه ۱۳۵۰ تاکنون، در برنامه‌ریزی بسیاری از محلات شهری ایران از اصول مدرنیسم بهره گرفته شده، اما نواقص موجود در بنیان فکری و نظری این دیدگاه از جمله غلبه نگاه صرفاً کالبدی، منجر به شکل‌گیری بافت شهری با کیفیت زندگی پایین با اولویت دسترسی سواره، نبود فضاهای باز-سبز و عدم سرزندگی مراکز محلات، عدم توجه به نیازهای روانی، عاطفی و اجتماعی شهروندان شده (رهنما و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۲-۴۳، رشد روزافزون جمعیت شهری و نیاز به خدمات و امکانات بهتر باعث پدید آمدن محلات جدید و حاشیه‌ای در شهرها شده؛ و تامین خدمات مناسب جهت سکونت و رفاه جوامع از چالش‌های شهرهای امروز می‌باشد که در طرح‌های توسعه شهر اهمیت پیدا کرده‌اند (پورمحمدی و شفاعتی، ۱۳۹۴: ۱۰۲). نظر به توجه نوشهرگرایی به محلات سنتی و سعی آن بر افزایش کیفیت زندگی، می‌توان از این رویکرد در طرح‌های توسعه شهری استفاده کرد. نوشهرگرایی در صدد ارتقای شهرسازی سنتی برای انطباق با زندگی مدرن امروز و پیچیدگی‌های روزافزون اقتصادی (واتسون، ۱۳۸۹: ۲۷۵) و یکپارچه‌سازی مجدد عناصر سنتی محله‌ها با محله‌های معاصر است (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۷۶).

شهر کرمان با جمعیت بالغ بر ۷۱۲۰۰۰ نفر و مساحت ۱۳۰۰۰ هکتار، تراکم ۵۳ نفر در هکتار را داراست (غضنفرپور و حامدی، ۱۳۹۶: ۱۵۴). رشد کالبدی- فضایی آن طی دهه‌های اخیر بصورت پراکنده شکل گرفته (ایلاقی حسینی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۵)، و طرح‌های توسعه شهر کرمان ساختار کالبدی یکپارچه و متصل بافت شهر را گسسته و ساختار اجتماعی محلات را ناهمگن کرده‌است. محلات شکل گرفته بعد از دوران مدرن از جمله محله امام- جمعه و همچنین توسعه‌های چند دهه اخیر نظیر محله هوشنگ مرادی منجر به رشد افقی بیرویه شهر کرمان، عدم تعادل در رشد این شهر، تخریب باغات و اراضی کشاورزی حاشیه شهر شده است. این عدم تعادل بین اجزای مختلف شهر، تا حدودی حاصل نبود خصوصیات بومی و ملزومات زندگی شهری است که منجر به کاهش هماهنگی کالبدی و محتوایی و ایجاد شرایط ناپایدار شده‌است. «در بافت قدیم شهر کاربری‌ها از نظر سازگاری، نظام توزیع و الگوی همجواری هماهنگی چندانی با معیارهای برنامه‌ریزی شهری ندارند.» (میمندی- پاریزی و کاظمی‌نیا، ۱۳۹۴: ۲۰۹).

سوالات پژوهش: آیا محلات شکل گرفته در دوره‌های مختلف رشد شهر کرمان با اصول نوشهرگرایی سازگارند؟ تفاوتی میان اندازه سازگاری آنها با اصول نوشهرگرایی وجود دارد؟ انطباق محلات نمونه با کدامیک از اصول مورد بررسی بیشتر است؟

اهداف پژوهش: محلات شهری کرمان در دوره‌های زمانی مختلف شکل گرفته‌اند و احتمالاً میزان تطابق محلات قدیمی، محلات واقع در بافت میانی و محلات جدید با اصول نوشهرگرایی متفاوت است. هدف اصلی پژوهش بهبود کیفیت زندگی با بهره‌گیری از اصول نوشهرگرایی سازگار در محلات شکل گرفته در هر دوره توسعه و هدف عملیاتی نیز تعیین میزان سازگاری محلات نمونه در هر سه بافت؛ و بررسی میزان انطباق آنها با اصول مورد بررسی است.

اهمیت و ضرورت پژوهش: شهر کرمان مانند اکثر شهرهای ایران تحت تاثیر موج مدرنیسم و تفکرات آنها در تهیه طرح‌های توسعه شهری قرار گرفت که به یکباره رشد و توسعه شهر را دستخوش تغییرات زیادی کرد. ، بسیاری از شهرها دچار مشکلات حاصل از

نتایج نامطلوب منطقه‌بندی، سیستم‌های ناکارآمد خیابانها، کیفیت پایین معماری، فاصله بین محل کار تا زندگی و ... هستند. وجود این مشکلات و غنای شهرسازی سنتی ایران سبب شد تا ضرورت بازبینی در تهیه طرح‌ها احساس شود و از مکاتبی که توسعه پایدار و بازگشت به سنتها و احیای ساختار محله‌ای را ترویج می‌دهند، متناسب با شرایط اجتماعی و فرهنگی شهرها جهت ارتقای کیفیت زندگی حمایت شود. با بررسی میزان سازگاری اصول رویکرد نوشهرگرایی با محلات شکل گرفته در دوره‌های مختلف توسعه‌ی شهرها و درک میزان انطباق این اصول با شهرسازی فعلی محلات می‌توان در این راستا گام برداشت.

تاکنون پژوهش‌هایی در باب بررسی میزان انطباق یک گونه از بافتهای شهری موجود با اصول نوشهرگرایی و یا بررسی میزان بکارگیری اصول نوشهرگرایی در احیا و بازآفرینی بافتهای فرسوده صورت گرفته؛ لیکن جنبه اهمیت پژوهش حاضر مربوط به نوآوری آن در رابطه با بررسی این مهم در محلات مختلف شامل محله قدیمی و تاریخی، محله واقع در بافت میانی و محله جدید است. مقاله بصورت توأمان و مقایسه‌ای میزان سازگاری محلات مختلف مربوط به گذشته تا معاصر را با اصول نوشهرگرایی مورد سنجش قرار داده است.

پیشینه پژوهش: ابیر الشاتر^۱ روشهای کاربست اصول نوشهرگرایی در واحدهای همسایگی مصر را ارائه و به طراحی ماتریس سازگاری بین اصول نوشهرگرایی و ابعاد طراحی شهری در واحدهای همسایگی پرداخت. از نظر وی، مشارکت نقش مهمی در ایجاد انگیزه برای بکارگیری اصول نوشهرگرایی در طراحی شهری دارد. نوشهرگرایی باید به زمینه فرهنگی هر منطقه توجه کند و ادغام اصول آن با ابعاد طراحی شهر در ساختار واحدهای همسایگی مصر در جوامع کوچکتر از پایتخت موفق‌تر است (Elshater, ۲۰۱۲: ۸۲۶-۸۴۳). مرآتی در بررسی پیاده‌مداری در محله کبابیان با این رویکرد و کاربرد معیارهای متعدد امنیت، فعالیتهای اجتماعی، دسترسی، جذابیت و... دریافت: وضعیت این محله معاصر، در موضوع مورد بررسی مطلوب نیست (۱۳۹۵: ۶۱-۷۰). گودرزی و ملایی «کاربرد اصول نوشهرگرایی در احیای بافتهای فرسوده محلات شهری منطقه ۳ شهر اصفهان» را بررسی و

^۱ Abeer Elshater

دریافتند: اصول نوشهرگرایی شامل قابلیت پیاده‌روی، اتصال و پیوستگی، تقویت حمل‌ونقل عمومی، ایجاد کاربریهای مختلط، تنوع مسکن، توجه به بافتهای واجد ارزش، افزایش تراکم در بافت، استفاده از مشارکت ساکنان، حفظ فضای باز عمومی و سبز، ایجاد و مدیریت توقفگاه‌ها، استفاده از ابزار طراحی برای افزایش امنیت در احیای محدوده رعایت نشده است (۱۳۹۴: ۱۷). پورمحمدی و همکاران، ضمن تعریف شاخصها، میزان انطباق محلات نمونه در شهر تبریز با اصول نوشهرگرایی را بررسی و دریافتند: به دلیل مؤخر بودن این رویکرد و نظام برنامه‌ریزی خاص آن، بافتهای جدید، طراحی شده و منظم بیشتر با اصول این مکتب سازگار هستند. محله زعفرانیه ۴ با بافت منظم، بیشترین سازگاری را با اصول نوشهرگرایی نشان داد (۱۳۹۳: ۴۲-۲۱). خلیلی و همکاران هم این موضوع را در محله شهرک ساحلی بابلسر، با تعریف ۲۲ شاخص و ۷ عامل سازنده نوشهرسازی شامل دسترسی به خدمات عمومی در مقیاس محله، پیاده‌مداری، وضعیت ترافیک در محله، تنوع سکونت و فرهنگی، وضعیت حمل‌ونقل عمومی، تعلق خاطر، مشارکت‌پذیری و اختلاط کاربری، تعیین کردند (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۹۲-۲۷۵). رهنما و همکاران «ارتقای کیفی محلات مدرن با بکارگیری رهیافت نوشهرگرایی» را بررسی و دریافتند: هرچند اصول نوشهرگرایی به ایجاد محلات نسبتاً پر تراکم، قابل پیاده‌روی با کاربری مختلط و متنوع تأکید دارد، اما ارزیابی ما نشان داد: اصول مدرنیسم بکار رفته در برنامه‌ریزی از دهه ۵۰ تاکنون، نه تنها تحقق پیدا نکرده بلکه نواقص موجود در بنیان فکری و نظری آن از جمله دیدگاه صرفاً کالبدی، باعث شکل‌گیری بافتهای با کیفیت زندگی پایین شده است (۱۳۹۲: ۴۵-۲۷). هاشم‌زاده و ملکیان میزان تطابق اصول نوشهرسازی با عوامل شک دهنده و تأثیرگذار بر فرم و محتوای شهرهای ایران را مورد بررسی قرار دادند. از نظر آنها استفاده از اصول نوشهرسازی در احیای محلات ایرانی، بمعنی گرت‌برداری مو به مو از این اصول نیست. بلکه به مفهوم بازیابی الگوها و هویت محلات سنتی ایران با ابزارهای جدید طراحی شهری که نوشهرسازی در اختیار ما قرار می‌دهد، است (۱۳۹۰: ۴۹-۴۳).

مواد و روش‌ها:

پژوهش حاضر از نوع کاربردی و روش انجام آن توصیفی و مقایسه‌ای - تطبیقی و پیمایشی است. در تدوین پیشینه، مبانی نظری و استخراج معیارهای منتخب و توصیف وضعیت سازگاری محلات نمونه با اصول نوشهرگرایی از روش توصیفی استفاده شد. با مرور منابع، شاخص‌ها به ۳ دسته کالبدی، حمل‌ونقلی و تاریخی - هویتی تقسیم شد. از ۱۰ اصل نوشهرگرایی ۷ اصل انتخاب و میزان انطباق شاخصها با تعریف استانداردهای سنجش، در طیف چهارسطح ارزیابی شد. جدول ۱ اصول، شاخص‌ها و استانداردهای سنجش را نشان می‌دهد. در بررسی وضعیت محلات نمونه و انطباق آنها با معیارهای پژوهش از روش توصیفی و مقایسه‌ای - تطبیقی استفاده شد. در روش پیمایش، بخشی از داده‌ها بصورت میدانی، بشکل برداشت کالبدی، و بخشی نیز از روش مطالعات کتابخانه‌ای - اسنادی بدست آمد. از نرم‌افزار GIS برای بررسی سازگاری معیارهای پیاده‌مداری، حمل‌ونقل عمومی و تنوع، ارتباط پذیری و تراکم افزایش یافته و کاربری مختلط استفاده شد. اصل کاربری مختلط با رابطه سرورو و دونکان^۱ سنجیده شد، و برای بررسی سازگاری کاربریها، ماتریس راهنمای سازگاری کاربری‌ها (پورمحمدی، ۱۳۷۸: ۳۶ و زیاری، ۱۳۸۶: ۵۸) استفاده و با طیف عددی ۱ تا ۵ ارزش‌دهی انجام شد. از روش سیمپسون^۲ جهت بررسی معیار تنوع مسکن استفاده شد: مسکن محلات نمونه به ۴ دسته «تک واحدی، آپارتمانی با و بدون آسانسور، و واحدهای واقع در مجتمع» تقسیم و داده‌ها با برداشت کالبدی بدست آمد. اصل توجه به بناهای واجد ارزش تاریخی و بهبود کیفیت طراحی و معماری نیز با توجه به مشاهدات میدانی و مطالعه کتب تاریخی بررسی شد. نهایتاً، برای تعیین میزان سازگاری و یا ناسازگاری هر اصل در محلات نمونه، به شرایط موجود محله امتیازدهی^۴ سطحی انجام؛ و با میانگین هندسی، بافتی که بیشترین و کمترین میزان انطباق با اصول هفت گانه منتخب را دارد، معین گردید.

^۱ Cervero and Duncan

^۲ Simpson

جدول ۱: معرفی اصول، شاخص‌ها و استانداردهای نوشهرگرایی در پژوهش

اصول پیشنهادی در مقیاس محله	شاخص‌ها	استانداردهای سنجش
کالبدی	کاربری مختلط	وجود کاربری‌های خدماتی، رعایت استانداردهای سطح و سرانه؛ تنوع کاربری‌ها در طبقات؛ استقرار کاربری شبانه در فضاهای عمومی؛ رعایت اصل سازگاری در همجواری کاربری‌ها
	گوناگونی مسکن	گونه‌های متنوع مسکن با تنوع قیمت و اندازه
	تراکم افزایش یافته	دانه بندی قطعات و تراکم ساختمانی
ترافیکی و حمل و نقل	ارتباط پذیری	قابلیت نفوذ پذیری؛ رعایت سلسله مراتب روشن از فضاهای دسترسی با کارکردهای شهری
	قابلیت پیاده روی	فاصله منازل تا مرکز محله و مراکز خرید روزانه؛ بدنه‌های فعال شبکه معابر با پیاده‌روهای جذاب و مناسب؛ تسهیل پیاده‌روی، ایجاد حس اجتماعی
	حمل و نقل عمومی و متنوع	وجود حمل و نقل متنوع و طراحی مسیرهای دوچرخه
تاریخی، ساختاری و معماری	توجه به بناهای واجد ارزش	تاکید بر ارزش‌های زیبا شناسانه و آسایش و ایجاد حس مکان در مکان یابی کاربری‌های شهری؛ معماری در مقیاس انسانی؛ حفاظت بناهای بالارزش تاریخی به خصوص بناهای مدنی و عمومی موجود در بافت
	تاریخی و بهبود کیفیت طراحی	توجه به ضوابط ساخت و ساز و معماری بنا بویژه در نما در نظر گرفتن تراکم و نوع ساخت و ساز در کنار ابنیه بالارزش و تاریخی

ماخذ: نگارندگان با اقتباس از (اصغر زاده یزدی، ۱۳۸۹)،

(پورمحمدی و همکاران، ۱۳۹۳)، (Ohm, ۲۰۰۱)، (Aurbach, ۲۰۰۵)

مبانی نظری

معرفی نوشهرگرایی: تا قبل از انقلاب صنعتی، اندازه و تناسب عناصر شکل دهنده شهر، دارای مقیاس انسانی بود. با اختراع و کاربرد اتومبیل در شهرها، بتدریج انسان جایگاه و مقیاس واقعی خود را در شهر از دست داد (Krier, ۱۹۸۴a: ۲۶). رویکرد نوشهرسازی در اواخر دهه ۱۹۸۰، بعنوان پاسخ به ناکارآمدی الگوی پرکنده‌رو ارائه شد (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۷۶). این جنبش زمانی مطرح شد که نیمی از جمعیت جهان شهرنشین اند و بیش از یک

ملیارد نفر در زاغه‌ها سکونت دارند (بابایی اقدام و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۷). در عصری که مدرنیسم عمیقاً شکل شهر را تحت تاثیر قرار داده، نوشهرگرایی با دفاع از معماری و الگوهای ساخت‌وساز سنتی که پیاده‌روی را تسهیل و به ایجاد هویت شهری کمک می‌کنند، تصویر جدید از یک «اجتماع خوب» را ارائه می‌کند (Grant, ۲۰۰۶: ۳). نوشهرگرایی از طرح‌های فشرده، پیاده‌مدار و کاربری‌های مختلط جانبداری می‌کند و طرفدارانش مدعی‌اند: با ارتقا و توسعه آن در محلات بهداشت عمومی و منافع اجتماعی و امنیت را با خود به همراه می‌آورد (Foster, Hooper and et al, ۲۰۱۷: ۱). نوشهرگرایی بر فرم، کیفیت و ساختار شهری تاثیر می‌گذارد و با ایجاد کاربریهای مختلط، تنوع مسکن، طراحی فضاهای عمومی، فشردگی و پیوستگی شبکه معابر سعی در ایجاد حس تعلق و مکان دارد (Grant, ۲۰۱۲: ۲۳).

نوشهرگرایی آمیزه‌ای از سبک معماری، رشد هوشمند، طراحی سنتی جدید، گسترش گزینه‌های مختلف حمل‌ونقل عمومی، خیابان‌ها و فضاهای دوستانه، مراکز و لبه‌های تعریف شده، توسعه بافت سنتی محلات و شهرسازی پایدار است (Grant, ۲۰۱۵: ۸۱۲). نوشهرگرایی مدل ایده‌آل خود را در شبکه سنتی خیابان‌هایی که در بافت شهری تنیده‌اند، می‌یابد. خیابان‌هایی با کاربری مختلط، دوستدار پیاده، محلاتی با تنوع مسکن و تنوع اجتماعی که در عین پیچیدگی‌های شهری به زندگی خود ادامه می‌دهند (Heins, ۲۰۱۵: ۲۰۷).

نوشهرگرایی تمامی سطوح جوامع انسانی، از بلوک و خیابان، تا کلانشهر و منطقه را مد نظر قرار داده و در رابطه با هر سطح اهداف روشنی در پیش گرفته است. تالن در مقاله «اهداف اجتماعی نوشهرگرایی» ۲۷ اصل را برای نوشهرگرایی در سه سطح ۱- ناحیه (متروپل، شهر و شهرک)؛ ۲- واحد همسایگی، محله و کریدور؛ ۳- بلوک، خیابان و ساختمان ارائه می‌دهد که ۹ اصل آن مربوط به مقیاس محله است (Tallen, ۲۰۰۲: ۱۷۴-۱۷۶). مرور ادبیات جنبش نشان داد: ۹ اصل امروز به ۱۰ اصل افزایش یافته (Elshater, ۲۰۱۲: ۸۲۹) که در ادامه اصول بکار گرفته شده در پژوهش معرفی شده‌است:

- اصل گوناگونی مسکن: در یک اجتماع انسانی، حضور تنوع گونه‌ها، اندازه‌ها و قیمت واحدهای مسکونی نه تنها موجب می‌شود تا هرکس متناسب با علایق و سطح درآمد خود

بتواند مناسبترین انتخاب را داشته باشد بلکه می‌تواند به تعامل مثبت اقشار مختلف مردم از هر سن و نژادی و با هر در آمدی کمک کند. این اصل باعث ایجاد تنوع و گوناگونی در سیمای بافت شده و به سرزندگی و شاداب بودن جوامع محلی کمک می‌کند و آن‌ها را از خطر یکنواختی که موجب افسردگی ساکنان می‌شود، نجات می‌دهد (CNU, ۲۰۰۰: ۱۲).

- اصل کاربری مختلط و متنوع: از ویژگی‌های اساسی پروژه‌های نوشهرگرا، تمایل شدید آن‌ها به کاربری‌های مختلط در مقیاس نسبتاً زیاد است. دوانی و دیگران (۲۰۰۰) می‌گویند اگر یک پروژه مختلط باشد، مانع از بروز پراکنده‌روی می‌شود حتی اگر بعدها رشد پیدا کند (Grant, ۲۰۰۶: ۱۸۶). این یک مفهوم برنامه‌ریزی است که بر پایه اصول شهر کوچک سنتی و توسعه واحدهای همسایگی استوار است (Ohm, ۲۰۰۱: ۵). کاربری‌ها شاید به صورت افقی با یکدیگر ترکیب شوند و شاید به صورت عمودی در طبقات مختلف یک ساختمان جای گیرند (Aurbach, ۲۰۰۵: ۵) در این رابطه یکی از انواع متداول و پاسخ‌ده، قرارگیری کاربری تجاری در طبقه همکف و کاربری مسکونی و یا اداری در طبقات بالای ساختمان است (Garland, ۲۰۰۶: ۸۲). در رابطه با کاربری دو واژه متفاوت وجود دارد: کاربری/اساسی، که ماندگارترین و سودآورترین کاربری در طرح کاربری مختلط است. این کاربری، محرک مفهوم توسعه و نیز تصمیمات مربوط به تناسب و سازگاری کاربریها در این طرح است؛ و کاربری غالب، که بیشترین فضای طرح را به خود اختصاص می‌دهد (اسمعیل‌پور و همکاران، ۱۳۹۴: ۶).

- اصل تراکم افزایش یافته: افزایش تراکم موجب می‌شود مساکن، فروشگاه‌ها و خدمات به یکدیگر نزدیکتر شده، فواصل کاهش یافته و از رشد افقی جلوگیری شود. این اصل در عمل، موجب می‌شود حداکثر استفاده بهینه از اراضی داخل بافت صورت گرفته و اجتماع فشرده‌تری بوجود آید که در آن پیاده‌روی تسهیل شده و منابع و خدمات کاراتر و موثرتر بکار گرفته شده و در نهایت مکانی راحت، مطبوع و مناسب برای زندگی شهروندان ایجاد شود (Bohl, ۲۰۰۰: ۳۴). با افزایش تراکم ناشی از اختلاط کاربری، آن هم به سبب قابلیت اجاره قطعات بوسیله گروه‌های مختلف اقتصادی، پتانسیل درآمدی افزایش می‌یابد. به دلیل ارزش‌های بیشتر دارایی و طیف متنوع‌تری از قیمت‌های فروش، میزان فروش نیز افزایش می‌یابد. در جوامعی که با رشد هوشمند تطبیق داده شده‌اند بعلت مشارکت بیشتر در

استفاده از فضاها در طول روز و شب، توافق عمومی سریعتر بدست می‌آید که نتیجه آن صرفه‌جویی هزینه/زمان است (Robert, ۲۰۱۲: ۶۹).

- اصل اتصال و پیوستگی: قابلیت نفوذپذیری و دسترسی به بافت، رعایت سلسله مراتب روشنی از فضاها و دسترسی با کارکردهای شهری و محله‌ای برای نوشهرگرایی امر بسیار مهمی تلقی می‌شود. نوشهرگرایی معتقد است شبکه معابر پیوسته و همچنین تعریف سلسله مراتب خیابان‌ها و کوچه‌ها و شبکه پیاده‌روی با کیفیت بالا موجب کاهش ترافیک، تسهیل پیاده‌روی و افزایش و ترغیب عموم به پیاده‌روی می‌شود (Calthorpe, ۱۹۹۴: ۲۲).

- اصل پیاده‌مداری: خیابان‌ها و میادین باید برای پیاده‌روی ایمن و جذاب باشند، بشکلی طراحی شوند که موجبات آسایش ساکنین را فراهم کرده و آن‌ها را برای پیاده‌روی تهییج کند. کاربری‌های خدماتی روزانه و هفتگی در فاصله پیاده‌روی ۱۰ دقیقه‌ای ساکنین قرار گیرد. ساکنان، روزانه جهت خرید و تعاملات اجتماعی به مراکز خرید و مرکز محله از طریق پیاده‌روها سفر کنند. پیاده‌روها علاوه بر عرض مناسب، تفکیک مناسب فضا، دارای نورپردازی و مبلمان مناسب باشند تا اهالی به پیاده‌روی تشویق شوند (CNU, ۲۰۰۰: ۸).

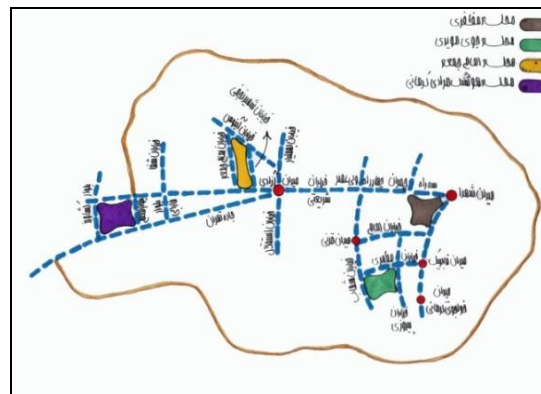
- اصل حمل‌ونقل متنوع: ایجاد شبکه پیوسته حمل‌ونقل عمومی که شهرهای بزرگ، کوچک و محلات را بهم متصل کند، به کاهش معضلات آلوده‌شد کمک کرده و ساکنین را به پیاده‌روی، دوچرخه‌سواری و استفاده از اتوبوس تشویق می‌کند (Mccoy, ۲۰۰۰: ۷).

- اصل کیفیت معماری و طراحی شهری: برخی عناصر و اجزای کالبدی مراکز شهری با گذشت زمان، حالتی نمادین و سمبلیک به خود گرفته‌اند. این اجزا شامل ساختمان‌هایی با سبک معماری بومی، برج‌های ساعت، محوطه سازی‌های واجد ارزش و... هستند. استفاده هوشمندانه و صحیح از چنین عناصر نمادینی می‌تواند تا حد زیادی بر کیفیت کالبدی محیط شهری بیافزاید. نوشهرگرایی بر ارزش‌های زیبایی‌شناسانه و آسایش و ایجاد حس مکان، مکانیابی کاربری‌ها و سایت‌ها در شهر، معماری در مقیاس انسانی و تغذیه روح بشر به وسیله زیبایی محیط تاکید دارد. (CNU, ۲۰۰۰: ۱۴). نوشهرگرایی مدلی متمایز از اجتماع خوب را به عنوان مکانی زیبا و قابل درک به تصویر می‌کشد (Grant, ۲۰۰۶: ۲۰۴). طراحی با

کیفیت مطلوب در ایجاد خیابان‌ها، پارک‌ها و میادین جذاب نکته کلیدی در جنبش نوشهرگرایی است (Grant, ۲۰۰۶: ۵۶). طراحان و معماران تلاش می‌کنند نمادها را با تکرار بیشتر و اهمیتی زیادتر از ارزش تاریخی آن‌ها در طرح‌های جدید خود جای دهند تا از این طریق حس میراث تاریخی به مکانی بدهند که در واقع جدید است. امروزه استفاده افراطی و صرفاً تقلیدی از عناصر هویتی و تاریخی در مراکز جدید مورد انتقاد واقع شده‌اند، چیزی که جین جیکوبز از آن با تعبیر شستشوی مغزی فرهنگی (Jacobs, ۱۹۶۱)^۱ یاد می‌کند. در این رابطه باید ضمن حفظ و نگهداری آثار واجد ارزش کالبدی در مراکز شهری و استفاده از الگوهای بومی و هویتی در قالب طرح‌های هماهنگ و منطبق بر شرایط زمانی و مکانی پروژه از تقلیدهای کورکورانه در کار خود بپرهیزند.

معرفی محدوده مورد مطالعه: ۴ محله واقع در بافتهای مختلف شهر کرمان که از نظر تاریخی هر کدام در دوره‌ای متفاوت شکل گرفته و واجد سرزندگی و پویایی است انتخاب شد. در بافت تاریخی، به دلیل اینکه محلات مجاورت با بازار با سایر محلات هم ارزش آنها، از نظر زمان شکل‌گیری، میزان سرزندگی و پویایی تفاوت بسیاری دارند، دو محله انتخاب شد. محلات نمونه شامل: محله مظفری که بازار قدیم درون آن است، جوی‌مویدی که با فاصله از بازار شکل گرفته، امام جمعه در بافت میانی که با موج مدرنیسم و بواسطه برنامه‌ریزی طرح توسعه شهر پدید آمده و هوشنگ مرادی کرمانی که در حاشیه شهر و دهه‌های اخیر شکل گرفته است. (تصویر شماره ۱)

^۱ به نقل از مجتبی شکبیا منش کتاب از مبانی تا راهنمای طراحی شهری، ۱۳۹۳، انتشارات طحان، تهران



تصویر ۱: موقعیت محلات نمونه در شهر کرمان

- اصل گوناگونی مسکن: برای سنجش تنوع مسکن از ضریب همگونی سیمپستون استفاده شد. هرچقدر میزان این ضریب به بازه $0.7 - 1$ نزدیکتر باشد، میزان انطباق بیشتر است. ضریب بین $0.3 - 0.5$ بیانگر، انطباق متوسط و بین $0.1 - 0$ بمعنای کمترین میزان تنوع در موضوع مورد بررسی (در اینجا مسکن) است. به این ترتیب، ابتدا گونه‌های مسکن در محلات مورد مطالعه شناسایی و سپس با قراردادن تعداد مسکن در رابطه ۱ میزان

$$\text{ضریب محاسبه می‌شود (Aurbach, ۲۰۰۵: ۳). رابطه ۱: } 1 - \sum \left(\frac{n}{N} \right)^2$$

π مجموع مساکن در یک دسته‌بندی مشخص و N مجموع تعداد مساکن در همه دسته‌بندی‌ها. بر مبنای محاسبات، محله هوشنگ مرادی کرمانی بیشترین سازگاری (۴ امتیاز) و محله امام جمعه کمترین سازگاری (۱ امتیاز) را با این اصل دارد. ضریب سیمپسون در محلات مظفری و جوی‌مویدی از کمترین حد سازگاری (0.31)، پایینتر است. لذا، این اصل در این محلات قابل بررسی نبوده و امتیازی به آنها تعلق نگرفت. جدول ۱ نتایج بررسی را نشان می‌دهد.

جدول ۱: الگوی مسکن و میزان ضریب همگونی در محلات نمونه

نام محلات	تک واحدی	آپارتمانی بی آسانسور	آپارتمانی با آسانسور	تعداد ساختمان‌های واقع در مجتمع مسکونی	جمع مسکن	ضریب همگونی
مظفری	۶۸۸	۴	-	-	۶۹۲	۰.۰۲
جوی‌مویدی	۵۳۹	۸۹	۱۰	۸	۶۴۶	۰.۲۹۳
امام جمعه	۵۵۹	۲۱۰	۱۲	-	۷۸۱	۰.۳۴
هوشنگ مرادی	۱۶۶	۱۸۸	۲۰۸	۱۵	۵۷۷	۰.۷

شرایط اقتصادی مسکن و زمین در شهر کرمان باعث شده الگوهای مختلف مسکن در هر ناحیه دارای قیمت‌های مختلف باشند و این تمایز قیمت باعث پدید آمدن طبقات اجتماعی مختلف با الگوهای درآمدی مختلف می‌شود. تنوع طبقات اقتصادی و درآمدی و به تبع آن طبقات اجتماعی مختلف در محلات مورد مطالعه به شدت وجود دارد.

- اصل تراکم افزایش یافته: از معیار متوسط مساحت قطعات و متوسط تراکم ساختمانی برای بررسی تراکم افزایش یافته استفاده شد. هرچه مساحت متوسط قطعات بیشتر باشد (در صورت تجمیع قطعات ریز دانه) و متوسط تراکم ساختمانی بالاتر باشد، محله شرایط بهتری- در این اصل دارد. با توجه به ضوابط ساختمانی، حداکثر سطح اشغال مجاز ۶۰ درصد است که با این احتساب در قطعاتی با مساحت‌های مختلف تراکم‌های معینی را می‌توان مشاهده کرد. البته شرایط اقلیمی و جغرافیایی هر منطقه در این ضوابط تاثیر گذار است. با استفاده از توابع تحلیلی GIS، متوسط مساحت قطعات و تراکم ساختمانی محلات استخراج شد

جدول ۲: میزان تراکم در محلات مظفری، جوی‌مویدی، امام جمعه و هوشنگ مرادی

محلات	متوسط مساحت قطعات	متوسط تراکم ساختمانی
مظفری	۲۱۷	۷۰.۲
جوی‌مویدی	۱۷۳	۶۹.۹
امام جمعه	۱۷۰	۸۰.۴
هوشنگ مرادی	۳۹۶	۲۴۰

بدلیل وجود منازل قدیمی با مساحت بالا در محلات جوی‌مویدی و مظفری میانگین قطعات بالاتر است و از حد تفکیک مشخصی پیروی نکرده‌اند. همچنین وجود کوچه‌های باریک منجر به پایین بودن تراکم ساختمانی شده و این امر را می‌توان در قسمت‌های نوسازی شده محله جوی‌مویدی به وضوح دید. در محله مظفری و جوی‌مویدی، وجود عناصر تاریخی، ضوابط تراکم در ارتفاع را محدود می‌کند، لذا، آنها کمترین سازگاری را با این اصل دارند و به ترتیب امتیازهای ۱ و ۲ را گرفتند. محله امام جمعه همزمان با ورود مدرنیته شکل گرفته و ملغمه‌ای از محلات جدید و قدیم از نظر مساحت قطعات و تراکم ساختمانی است. در لبه اصلی خیابان بدلیل ارزش زیاد زمین، تراکم بالاتر و قطعات ریز دانه تجمع شده و امتیاز محله در این اصل ۳ می‌باشد. محله نوساز هوشنگ مرادی کاملاً از ضوابط تفکیک پیروی کرده و بدلیل وجود آپارتمانها و مجتمع‌های مسکونی زیاد، سازگارترین محله با اصل تراکم افزایش یافته و با امتیاز ۴ است. جدول ۲ دانه‌بندی و تراکم ساختمانی محلات نمونه را نشان می‌دهد.

- اصل کاربری مختلط: برای محاسبه میزان اختلاط کاربری از رابطه ۲ و شاخص تنوع، وجود کاربریهای خدماتی و رفاهی، و سازگاری کاربریها استفاده شد. K نشانگر تعداد طبقات کاربری زمین در مقیاس مطالعه است. حاصل رابطه پس از استانداردسازی، عددی بین ۰ و ۱ خواهد بود. هرچه عدد حاصل به ۱ نزدیکتر باشد اختلاط کاربری بیشتر و هر چه به صفر نزدیکتر باشد، اختلاط کاربری کمتر است (Cervero and Duncan, ۲۰۰۶: ۴۷۸). رابطه ۲:

$$\text{اختلاط کاربری} = \frac{[Log(\text{درصد کاربری مسکونی} \times \text{درصد کاربری مسکونی}) + Log(\text{درصد کاربری خدماتی} \times \text{درصد کاربری خدماتی}) + \dots]}{Log(K)}$$

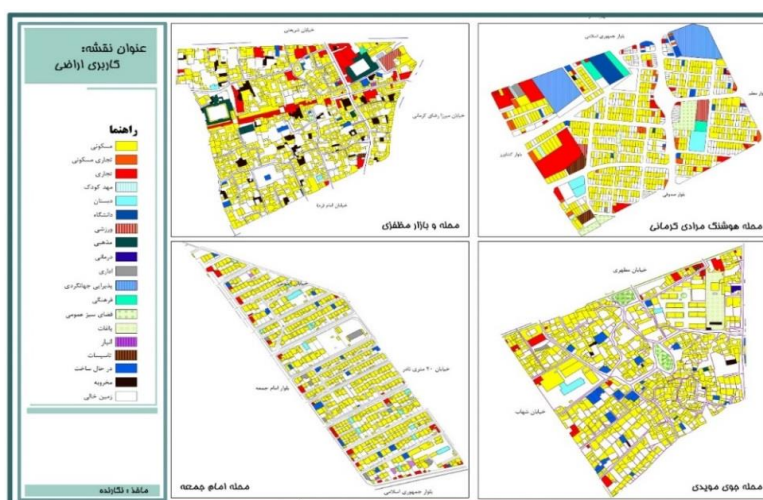
بر اساس محاسبات: محله هوشنگ‌مرادی و مظفری دارای بیشترین اختلاط (به ترتیب ۰.۷۷ و ۰.۶۴) و محلات امام جمعه و جوی‌مویدی و کمترین اختلاط و برابر ۰.۴۹ را دارند.

اختلاط کاربری‌ها با دو شاخص وجود کاربری‌های رفاهی خدماتی در سطح محلات با رعایت سطوح و سرانه‌های استاندارد و همچنین سازگاری کاربری همجوار اندازه‌گیری شد:

۱: برای بررسی تنوع و وجود کاربری‌های رفاهی-خدماتی با رعایت حداقل استاندارد و سرانه، ابتدا تعداد و سرانه‌های کاربری‌ها در مقیاس محله استخراج و سپس با مقایسه سطوح

و سرانه‌های استاندارد، تفاوتها و نیازهای هر محله نسبت به استانداردها بدست آمد (نقشه ۱). ۲: بررسی میزان سازگاری کاربری‌ها با مقایسه شرایط موجود محلات با ماتریس راهنمای سازگاری که در آن بیشترین سازگاری با عدد ۱ و کمترین سازگاری عدد ۵ است، انجام می‌گیرد. برای بررسی سازگاری کاربری‌ها، انطباق داده‌ها با ماتریس راهنمای سازگاری کاربری‌ها و نقشه سازگاری تهیه شده نشان داد: محله مظفری با ۴ امتیاز واجد بیشترین سازگاری کاربری است و پس از آن محلات جوی‌موییدی، امام جمعه و هوشنگ مرادی کرمانی به ترتیب با امتیاز ۳ و ۲ و ۱ قرار دارند.

نقشه ۱: کاربری اراضی محلات مظفری، جوی‌موییدی، امام جمعه و هوشنگ مرادی



اصل توجه به بافت‌های واجد ارزش تاریخی و بهبود کیفیت طراحی و معماری: در بین محلات نمونه، محلات مظفری و جوی‌موییدی تاریخی‌اند: محله مظفری واجد عناصر تاریخی متعدد است اما، محله جوی‌موییدی عناصر مرکز محله‌ای خود را از دست داده و تنها منزل یکی از خوانین دوران قدیم در آن بجا مانده‌است. در محلات امام جمعه و هوشنگ مرادی تنها هیچ عنصر معماری زیبا جود ندارد بلکه، نماهای متفاوت به آشفتگی معماری خیابانی

در آنها منجر شده و فضاهای باز عمومی نیز دستخوش تقلیدهای کورکورانه و بدون توجه به اقلیم و هویت بومی منطقه شده‌است.

- اصل ارتباط پذیری (شبکه معابر پیوسته): برای بررسی این معیار از دو شاخص «میزان تراکم تقاطع در واحد سطح، و میزان بن بست بودن معابر» به شرح زیر استفاده شد:

۱ - تراکم تقاطع در واحد سطح: این معیار نشان دهنده میزان پیوستگی معابر و میزان سهولت در عبور و مرور در معابر محله است و میزان آن با استفاده از رابطه ۳ محاسبه می‌شود. در این رابطه، اگر میزان تراکم تقاطع‌ها بیش از ۱۲۷ در هر کیلومتر مربع باشد بیشترین میزان اتصال و پیوستگی در معابر وجود دارد، اگر این میزان بین ۹۷-۱۱۲ باشد پیوستگی معابر متوسط و اگر کمتر از ۳۱ باشد، پیوستگی معابر کم در نظر گرفته می‌شود

$$\text{تراکم تقاطع} = \frac{\text{تعداد بن بست} - \text{تعداد تقاطع}}{\text{مساحت محدوده}} \quad (\text{Aurbach, ۲۰۰۵: ۶})$$

رابطه ۳: تراکم تقاطع

در محاسبه این شاخص، نقشه توزیع شبکه معابر محلات وارد نرم‌افزار GIS شد، سپس تبدیل به ساختار شبکه‌ای NETWORK شد، این ساختار خود قابلیت شناخت تقاطع‌ها را دارد. با توجه به مطالب مطرح شده در قسمت مبانی نظری، تمامی محلات از این نظر در سطح بسیار خوب و بالاتر از حد مطلوب استاندارد (۱۲۷) هستند (جدول ۳).

۲ - نسبت بن بست‌ها به معابر: این معیار نشان دهنده سهولت عبور و مرور است. محاسبه آن با رابطه ۴ انجام شد. هر چه میزان این نسبت به صفر نزدیکتر باشد، به معنای این است که نسبت معابر بن بست محله کمتر و در نتیجه مسیرها آزادتر و میزان دسترسی بیشتر

$$\text{نسبت بن بست} = \frac{\text{تعداد بن بست}}{\text{تعداد معابر}} \quad \text{رابطه ۴: تراکم بن بست}$$

جدول ۳: میزان تراکم تقاطع‌ها در محلات مظفری، جوی‌مویدی، امام جمعه و هوشنگ مرادی

محلات	تعداد تقاطع	تعداد بن بست‌ها	تعداد معابر	تراکم بن بست‌ها	مساحت محله Km ^۲	تراکم تقاطع‌ها
مظفری	۷۷	۲۲	۶۰	۰.۳۶	۰.۲۲۷	۲۴۲.۷
جوی‌مویدی	۷۰	۱۴	۳۲	۰.۴۳	۰.۱۶۹	۳۳۱.۳
امام جمعه	۷۲	۷	۲۶	۰.۲۶	۰.۲۶۹	۲۴۱.۶
هوشنگ مرادی	۱۰۲	۹	۵۴	۰.۱۶	۰.۶۶۳	۱۴۰.۲۷

براساس تحلیل‌های GIS، محله جوی‌موبدی با تراکم ۰.۴۳ بیشترین و محله هوشنگ مرادی کرمانی با تراکم ۰.۱۶ کمترین میزان تراکم بن بست را دارا هستند. (جدول ۳)

- اصل قابلیت پیاده‌روی: این اصل با بررسی دو معیار «شعاع عملکرد کاربری‌ها (فاصله ۴۰۰ متری یا حداکثر ۱۰ دقیقه‌ای منازل تا مرکز محله)» با استفاده از توابع تحلیلی GIS و دستور NEW SERVICE AREA از توابع NETWORKANALYSE و «کیفیت پیاده‌روها جهت تشویق ساکنان به پیاده‌روی و بهبود شرایط تعاملات اجتماعی» انجام شد.

۱ - بررسی پیاده‌روها: با توجه به مشاهدات میدانی در باب کیفیت مبلمان شهری، نوع کفسازی و نورپردازی شبانه‌ی پیاده‌روها، محله مظفری بدلیل وجود بازار و قرارگیری در مرکز تاریخی - گردشگری شهر بهترین وضعیت پیاده‌روها و محورهای خرید پیاده را دارد و فضایی پویاتر برای تعاملات ساکنین و گردشگران پدیدآورده، و بیشترین امتیاز یعنی ۴ را می‌گیرد. محلات امام جمعه، هوشنگ‌مرادی و جوی‌موبدی در مرحله بعدی و به ترتیب امتیاز ۳ و ۲ و ۱ گرفتند.

۲ - بررسی شعاع عملکرد کاربری‌ها: با توجه به نقشه ۲ شعاع عملکرد کلیه کاربری‌هایی که در مقیاس محلی خدمات‌رسانی می‌کنند محاسبه شد.

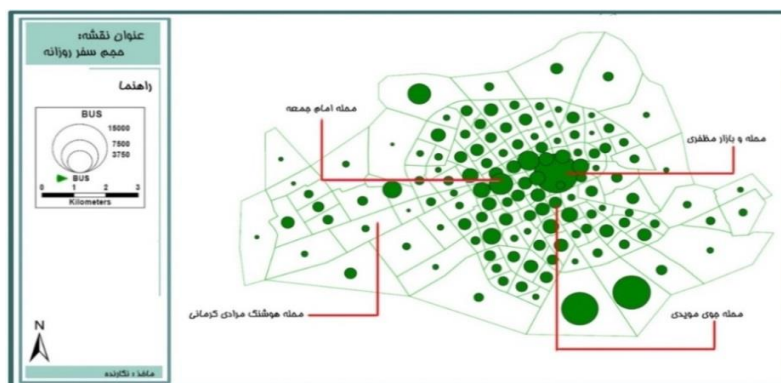


نقشه ۲: شعاع دسترسی کاربری های محله‌ای در محلات نمونه

با توجه به اصل پیاده‌مداری نوشهرگرایی که مراکز خرید روزانه و فضاهای بازرگانی باید در شعاع دسترسی ۴۰۰ متری قرار گیرند تا بتوانند پیاده‌مداری را تشویق کنند، محله امام جمعه بهترین و محله مظفری کمترین شعاع عملکردی کاربری‌ها را دارد.

اصل تاکید بر حمل‌ونقل عمومی و متنوع: برای بررسی وضعیت این اصل در محلات از دو شاخص وجود سامانه اتوبوسرانی یا تاکسیرانی منظم و نزدیکی به گره‌ها و نقاط مرکزی شهر استفاده شد. از بین انواع حمل‌ونقل عمومی فقط خطوط اتوبوسرانی و تاکسی در محلات وجود دارد. داده‌ها از شرکت اتوبوسرانی و تاکسیرانی شهر کرمان بدست آمد که بر مبنای آنها، در هیچ یک از محلات مسیر دوچرخه وجود ندارد و دوچرخه سواران از پیاده-راه‌ها و معابر سواره جهت دوچرخه سواری استفاده می‌کنند. نزدیکی محله مظفری به پایانه مشتاق و امام‌جمعه به پایانه آزادی از نقاط قوت این محلات در توسعه حمل‌ونقل عمومی است. حضور ۷ خط اتوبوسرانی در محله مظفری به بیشترین مقدار ممکن با ساعت حرکت مناسب هر ۵ دقیقه یک اتوبوس می‌باشد. در نقشه ۳ تعداد سفرهای روزانه به نقاط مختلف شهر کرمان نشان داده شده و بر اساس آن محله مظفری به دلیل قرار گیری در مرکز

تاریخی و تجاری شهر بیشترین تعداد سفرهای روزانه با اتوبوس را دارد. پس از آن محله امام جمعه، جوی مویدی و در نهایت هوشنگ مرادی با امتیاز به ترتیب ۳، ۲ و ۱ قرار دارند.



نقشه ۳: تعداد سفرهای روزانه به نواحی مختلف شهر کرمان از طریق سامانه اتوبوسرانی

یافته‌ها و بحث: جهت بررسی میزان سازگاری محلات با اصول نوشهرگرایی از رتبه‌بندی ۴ سطحی -بیشترین انطباق ۴ و کمترین انطباق ۱ امتیاز- استفاده شد (جدول ۴). شاخصها به ۳ دسته کلی تقسیم و در ۷ اصل مورد ارزیابی قرار گرفتند. مطالعه شاخصها تفاوت معناداری را در بهره‌گیری از اصول نوشهرگرایی در محلات مختلفی که در دوره‌های گوناگون توسعه شهر کرمان شکل گرفته بودند، نشان داد. یافته‌ها حاکی از این است که شاخص کالبدی در محله توسعه جدید هوشنگ مرادی بیشترین سازگاری را داشته و پس از آن محله قدیمی مظفری (با محوریت بازار) قرار می‌گیرد. از نظر شاخص حمل‌ونقل محله تاریخی مظفری بیشترین سازگاری و محله توسعه میانه امام جمعه در جایگاه بعدی است.

جدول ۴: امتیاز دهی نهایی محلات مظفری، جوی مویدی، امام جمعه و هوشنگ مرادی

شاخصها	معیارها	مظفری	جوی مویدی	امام جمعه	هوشنگ مرادی
کالبدی	وجود کاربری‌های رفاهی خدماتی	۴	۱	۲	۳
	سازگاری کاربری‌ها	۴	۳	۲	۱
	رابطه سرورو و دنگان	۳	۲	۲	۴

۴	۱	-	-	تنوع مسکن		
۴	۳	۱	۲	تراکم افزایش یافته		
۳.۵۶	۲	۱	۱.۸۹	میانگین		
۱	۲	۴	۳	نسبت بن بست ها به معابر	شبکه ترافیکی پیوسته	حمل و نقل
۴	۴	۴	۴	تراکم تقاطع در واحد سطح		
۱	۴	۲	۳	شعاع عملکرد کاربری	قابلیت پیاده روی	
۲	۳	۱	۴	کیفیت پیاده راه‌ها		
۱	۳	۲	۴	تاکید بر حمل و نقل عمومی		
۱.۶۷	۳.۱۷	۲.۵	۳.۶۷	میانگین		
۱	۱	۳	۴	بناهای واجد ارزش تاریخی و کیفیت طراحی و معماری		تاریخی - هویتی
۱	۱	۳	۴	میانگین		
۱.۸۱	۱.۸۵	۱.۹۶	۳.۰۳	میانگین هندسی کل		

از نظر شاخص هویتی - تاریخی نیز مسلماً محلات تاریخی سازگاری بیشتری را با این معیار خواهند داشت. همچنین در بین اصول بررسی شده تنوع مسکن کمترین میزان سازگاری و معیار اتصال و پیوستگی بیشترین سازگاری را در محلات مورد بررسی شده در کرمان دارند. جمع بندی امتیازهای بدست آمده از معیارهای کالبدی، حمل و نقل و هویتی تاریخی نشان داد محله تاریخی مظفری با محوریت بازار بیشترین سازگاری را با اصول نوشهرگرایی دارد پس از آن محلات جوی مویدی (قدیمی)، امام جمعه (توسعه میانی)، و در نهایت هوشنگ مرادی در توسعه جدید، قرار گرفتند.

نتیجه‌گیری: رهیافت نوشهرگرایی در بسیاری از پروژه‌های شهرسازی جدید کشورهای آمریکایی و کانادایی مورد استفاده می‌باشد و در بین آن‌ها نمونه‌های موفق بسیار است. اگر دوران مدرنیته و خیابان‌کشی‌های بولدوزری در شهرهای ایران اتفاق نمی‌افتاد محلات تاریخی برخی از این اصول را با نامی دیگر در دل خود پرورش می‌دادند بی آنکه بدانند در روزگاری نو این اصول خود منجر به شکل‌گیری بنیان‌های یک نظریه خواهد شد. حال برخی از این محلات با وجود تغییرات بسیار زیاد در بافت که ناشی از خیابان‌کشی‌های چلیپایی دوران مدرن، از بین رفتن مراکز محلات و گسستگی کالبدی آن‌ها، تا حدودی

توانسته اند رونق خود را به دلیل وجود عناصر تاریخی و بازار به عنوان ستون فقرات محله حفظ کنند. در همین رابطه، نتایج این تحقیق نشان داد: محلات امام جمعه واقع در توسعه میانی و هوشنگ مرادی در توسعه جدید که تحت تاثیر موج مدرنیسم و دیدگاه صرفا کالبدی طرح‌های توسعه شکل گرفته و توسعه یافته‌اند، سازگاری کمتری با اصول نوشهرگرایی دارند و محلات تاریخی مظفری با محوریت بازار پس از آن محله قدیمی جوی‌مویدی بیشترین سازگاری را دارند و کمترین سازگاری مربوط به محله جدید هوشنگ مرادی است. به این ترتیب نتایج پژوهش حاضر در مقایسه با نتایج مرتبط‌ترین تحقیق موجود یعنی مطالعه و ارزیابی بافت‌های مختلف شهری با رویکرد منشور نوشهرگرایی در شهر تبریز، مبنی بر اینکه «به دلیل مؤخر بودن تفکر نوشهرگرایی و نظام برنامه‌ریزی خاص آن، بافتهای جدید، طراحی شده و منظم بیشتر با اصول این مکتب سازگار هستند» متفاوت است. لیکن، با نتیجه پژوهش بررسی پیاده‌مداری در محله معاصر کبابیان با رویکرد نوشهرگرایی مبنی بر نامطلوب بودن وضعیت اصل پیاده‌مداری در محلات معاصر نسبتا همخوان است. بنابراین با یک نتیجه گیری کلی می‌توان گفت: محلات تاریخی بویژه در آن‌هایی که بازار هنوز زنده است و به اختلاط کاربری، ایجاد مراکز محله‌ای، رونق محله و پیاده‌مداری منجر می‌شود بیشترین سازگاری را با اصول نوشهرگرایی دارند همانگونه که در محله مظفری شهر کرمان مشاهده شد.

نتیجه دیگر پژوهش اینکه: محلات جدید از نظر اصول کالبدی، و محلات قدیمی از نظر اصول تاریخی-هویتی و ترافیکی و حمل‌ونقل سازگاری بیشتری با نوشهرگرایی دارند. محله جدید هوشنگ مرادی بیشترین سازگاری را در اصل کالبدی و محله تاریخی مظفری بیشترین سازگاری را اصول تاریخی و هویتی و ترافیکی و حمل‌ونقل دارد. بعلاوه، نتایج نشان داد بیشترین و کمترین سازگاری محلات مورد بررسی به ترتیب مربوط به اصل اتصال و پیوستگی و اصل تنوع مسکن است.

در مجموع، با توجه به تایید سازگاری نسبی محلات نمونه با اصول نوشهرگرایی می‌توان از رهنمودهای این رویکرد در ارتقای کیفیت زندگی محلات مورد بررسی پژوهش استفاده کرد. با توجه میزان انطباق بدست آمده در محلات نمونه جدید و قدیمی شهر کرمان

با اصول نوشهرگرایی، در این رابطه «معاصرسازی کالبد محلات قدیمی با توجه به نیازهای ساکنین آنها» و همچنین توجه به «ارزشها و اصول شهرسازی سنتی و ارتقای کیفیت حمل‌ونقل و افزایش قابلیت پیاده‌مداری در ساخت محلات جدید» با تاکید بر رهنمودهای نوشهرگرایی می‌تواند موثر باشد.

منابع

- اصغرزاده یزدی، سارا، (۱۳۸۹)، اصول پیشنهادی نوشهرگرایی در برنامه‌ریزی محله‌های شهری *مسکن و محیط روستا*، شماره ۲۹، ص ۶۳ - ۵۰.
- اسمعیل‌پور، نجما، کارآموز الهام، فخارزاده، زهرا (۱۳۹۴)، ارزیابی اختلاط کاربری در فضای شهری خیابان و راهکارهای ارتقای آن (مورد نمونه: خیابان کاشانی در بافت میانی شهر یزد)، *تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۳، ص ۲۴ - ۱.
- ایلاقی حسینی، محسن، نوحی، رامین، مهیمی، امیر مهیم، (۱۳۹۴)، بررسی روند گسترش کالبدی-فضایی شهر کرمان با استفاده از مدل‌های آنتروپی شانون و هلدن، *جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس*، دوره ۷، شماره ۲۳، ص ۵۲-۳۵.
- بابایی اقدام، فریدون، آهار، حسن، قیصری، حدیثه، طهماسبی، فرخ، (۱۳۹۶)، تحلیل ظرفیت‌های توسعه هوشمند شهر مراغه با به کارگیری اصل توسعه میان‌افزا، *نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی*، دوره ۲۱، شماره ۶۱، ص ۷۵-۹۱.
- پورمحمدی، محمدرضا، (۱۳۸۷)، *برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری*، مرکز مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران.
- پورمحمدی، محمدرضا، شفاعتی، آرزو، (۱۳۹۴) میان‌افزایی: راهکاری برای افزایش پایداری کالبدی محور تاریخی-فرهنگی کلانشهر تبریز، *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، شماره ۹۲، ص ۱۲۴ - ۱۰۱.
- پورمحمدی، محمدرضا، قاسمی، معصومه، سالکی ملکی، محمدعلی، (۱۳۹۳)، مطالعه و ارزیابی بافتهای مختلف شهری با رویکرد منشور نوشهرگرایی (نمونه موردی: شهر تبریز)، *مطالعات و پژوهشهای شهری و منطقه‌ای*، سال ۶، شماره ۲۱، ص ۴۲ - ۲۱.
- حبیبی، سید محسن، (۱۳۸۷)، چگونگی الگوپذیری و تجدید سازمان استخوان بندی محله، *هنرهای زیبا*، شماره ۱۳، دانشگاه تهران، تهران.
- حبیبی، سید محسن، مسایلی، صدیقه، (۱۳۸۷)، *سرانه کاربری‌های شهری*، سازمان ملی زمین و مسکن، تهران.

- خلیلی، احمد، حیدرزاده، احسان، صداقت‌نیا، سعید، (۱۳۹۳)، سنجش اصول رویکرد نوشهرسازی و ارائه راهکارهای مداخله در مقیاس واحدهای همسایگی، نمونه موردی: محله شهرک ساحلی بابلسر، معماری و شهرسازی *آرمان‌شهر*، شماره ۱۳.
- رهنما، رحیم، اجزا شکوهی، محمد، خورسندی، ریحانه، (۱۳۹۴)، تعیین شاخص‌های سنجش حمل‌ونقل مطابق با توسعه پایدار و اصول نوشهرگرایی، اولین کنگره علمی پژوهشی افق‌های نوین در حوزه مهندسی عمران، معماری، فرهنگ و مدیریت شهری ایران
- رهنما، رحیم، روشنی، پریسا، افشاری، مهرنوش، (۱۳۹۲)، ارتقا کیفی محلات مدرن شهری با بکارگیری رهیافت نوشهرگرایی- منطقه ازادشهر مشهد، *جغرافیا و توسعه فضای شهری*، شماره ۳، ۲۷-۴۶
- زیاری، کرامت‌الله، (۱۳۸۶)، *برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری*، دانشگاه یزد، چاپ اول، یزد
- غضنفرپور، حسین، حامدی، محدثه، (۱۳۹۶)، سطح‌بندی میزان آسیب‌پذیری بافتهای شهر کرمان بر اساس معیارهای منطق فازی، *جغرافیا و توسعه*، شماره ۴۸، ص ۱۷۰-۱۵۳.
- گودرزی، حمید، ملایی، مریم، (۱۳۹۴)، تحلیل کاربرد اصول نوشهرگرایی در احیای بافتهای فرسوده محلات شهری- منطقه ۳ شهر اصفهان، *همایش ملی بافتهای فرسوده و تاریخی شهری: چالشها و راهکارها*
- لطیفی، غلامرضا، صفری چابک، نداء، (۱۳۹۲)، بازآفرینی مفهوم محله در شهرهای ایرانی- اسلامی بر پایه اصول نوشهرگرایی، *علوم اجتماعی*، شماره ۶۶: ص ۶۶- ۵۸
- مرآتی، سعید، (۱۳۹۵)، بررسی پیاده‌مداری محلات شهری معاصر ایران با رویکرد نوشهرگرایی (نمونه موردی: محله کبابیان، همدان)، *مطالعات محیطی هفت حصار*، شماره ۱۵، سال ۴.
- میمندی‌پاریزی، صدیقه، کاظمی‌نیا، عبدالرضا، (۱۳۹۴)، ارزیابی سازگاری کاربری اراضی بر اساس مدل GIS-AHP و بررسی الگوی توزیع کاربری‌ها و تاثیرات آنها بر کیفیت زندگی شهری، مورد شناسی: بافت قدیم شهر کرمان، *جغرافیا و آمایش شهری- منطقه‌ای*، شماره ۱۷، ص ۲۲۶-۲۰۹.
- واتسون، دونالد، آلن ج. پلاتوس و رابرت جی شیلی، (۱۳۸۹)، مجموعه استانداردهای طراحی شهری، مترجم کیانوش داکر حقیقی، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، چاپ اول، تهران

- هاشم‌زاده، هاشم؛ ملکیان، بتول، (۱۳۹۰). بررسی رویکردهای محله‌گرا در طراحی توسعه‌های جدید شهری با تأکید بر نوشهرسازی. *ماهنامه عمران، معماری و شهرسازی*، شماره ۱، ص. ۴۳-۴۹.

- Aurbach, Laurence, (۲۰۰۵), *TND design rating standards*, The Town paper website, version ۲.۲, pp ۱-۲۰.
- Bohl, Charles. (۲۰۰۰) 'New urbanism and the city: potential applications and implications for distressed inner-city neighborhoods', *Housing Policy Debate* ۱۱(۴): ۷۶۱-۸۰۱.
- Calthorpe, Peter, (۱۹۹۴) 'The region', in P. Katz (ed.), *The New Urbanism: Toward an architecture of community*, New York: McGraw-Hill, pp. xi-xvi.
- Cervero, R., & Duncan, M, (۲۰۰۶), Which reduces vehicle travel more: Jobs-housing balance or retail housing mixing, *Journal of the American Planning Association*, ۷۲(۴), ۴۷۵-۴۹۰.
- CNU & HUD, (۲۰۰۰), *Principles for inner city neighborhood design*.
- Duany, A., E. Plater-Zyberk and J. Speck (۲۰۰۰) *Suburban Nation: The rise of sprawl and the decline of the American dream*, New York: North Point Press.
- Duany, Andres, "*Neighborhood design in practice*" in Peter Neal ed., urban villages and the making of communities, Spon press, London, ۲۰۰۳.
- Elshater, Abeer. (۲۰۱۲), New Urbanism Principles versus Urban Design Dimensions towards Behavior Performance Efficiency in Egyptian Neighbourhood Unit, *Social and Behavioral Sciences* , ۸۲۶ - ۸۴۳
- Foster, Sarah, Hooper, Paula, Knuiman, Matthew, Bull, Fiona and Billie Giles-Corti, (۲۰۱۷), 'Are Liveable Neighbourhoods Safer eighbourhoods? Testing the Rhetoric on NewUrbanism and Safety from Crime in Perth, Western Australia', *Social Science & Medicine*,
- Garland, S. D. (۲۰۰۶). *Urbanizing the Suburbs: A Transit Oriented Development for Reston, Virginia*: Master Dissertation, University of Maryland, College Park.
- Grant, Jill. (۲۰۰۶), *Planning the Good Community: New Urbanism in theory and Practice*, London & New York, Routledge.

- Grant, Jill, Tsenkova, S. (۲۰۱۲), New Urbanism and Smart Growth Movements, International Encyclopedia of Housing and Home, pp ۱۲۰-۱۲۶
- Grant, Jill, (۲۰۱۵) 'New Urbanism', International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences (Second Edition), pp: ۸۰۹-۸۱۴.
- Heins, Matthew, (۲۰۱۵), Finding Common Ground Between New Urbanism and Landscape Urbanism, *Journal of Urban Design*, .:۳, ۲۹۳-۳۰۲, DOI: ۱۰.۱۰۸۰/۱۳۵۷۴۸۰۹.۲۰۱۵.۱۰۳۱۰۰۲
- Janna, Blasingame Custer, (۲۰۰۷), New Urbanism and Euclidian Zoning: Can They Co-Exist?, Land use clinic, University of Georgia School of Law, p۱-۶
- Jacobs, Jain. (۱۹۶۱), Death and Life of Great American Cities, New York: Vintage Books.
- Krier, L. (۱۹۹۸) Architecture: Choice or fate, Singapore: Andreas Papadakis Publisher.
- Krier, L. (۱۹۸۴a) '*Drawings*' (*Originally in Archives d'Architecture Moderne*, Brussels, xxv-xxxi, (۱۹۸۰), Revised version in Architectural Design ۵۴ (Nov/Dec), pp. ۱۶-۲۲.
- McCoy, David, (۲۰۰۰), Division of Highways north Carolina department of Transportation, Traditional neighborhood development guidelines, Department of Transportation, ۲۱p
- Ohm Brian W., James A. LaGro, Jr., Chuck Strawser (۲۰۰۱). A Model Ordinance for Traditional Neighborhood Development. University of Wisconsin Extension, p۱۷-۲۵
- Roberts, Rebeca, (۲۰۱۲), Plan commission handbook, Chapter ۵, Plan Implementation, pp ۱-۲۷
- Watson, Donald, Plattus, Allen. & Shibley, Rabert, (۲۰۰۱), Time-Saver Standards for Urban Design. McGraw-Hill.
- Tallen, Emily, (۲۰۰۲) 'The social goals of new urbanism', *Housing Policy Debate* ۱۳(۱): ۱۶۵-۸۸.
- <http://www.cnu.org/charter>